



The Logic of the General Education Curriculum Based on the Perspective of Ḥayāt Ṭayyibah¹

Rahmatollah Marzoghi² | Farzaneh Dimeh Kar Haghighi³

DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.68.8.2

Abstract

Given the foundational aspiration articulated in Iran's Fundamental Transformation Document for the education system, namely, enabling learners to attain the elevated state of Ḥayāt Ṭayyibah (the "Good Life") as a central discourse across all educational domains, this study was conducted to elucidate the underlying logic, objectives, and content of the curriculum aligned with the Ḥayāt Ṭayyibah approach. To this end, the research first employed a qualitative approach and a cyclical conceptual analysis method to explore and unpack the notion of Ḥayāt Ṭayyibah. Subsequently, through a case study methodology, the logic, goals, and curricular content were inferred based on the conceptual framework of Ḥayāt Ṭayyibah. The findings indicate that positioning Ḥayāt Ṭayyibah as the philosophical foundation and guiding logic of the curriculum can effectively orient all other curricular elements toward this ideal. In doing so, it fosters the learner's spiritual and moral elevation by strengthening their faith, beliefs, knowledge, and conduct. From this perspective, the curriculum's objectives and content are grounded in monotheistic (tawḥīd-based) and faith-centered principles, emphasizing Islamic ethical values within four fundamental relational dimensions: the individual's relationship with oneself, with God, with fellow human beings (creation), and with the natural world (creation as a whole).

Keywords: Logic; objectives; content; curriculum; Ḥayāt Ṭayyibah (the Good Life)

Research Paper

Received:
18 January 2025

Revised:
03 August 2025

Accepted:
23 September 2025

Published:
27 September 2025

P.P: 193-225

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



1. This article is derived from the Ph.D. dissertation titled "Developing a Curriculum Framework with the Approach of Ḥayāt Ṭayyibah in the Education System."

2. Corresponding Author: Professor, Department of Educational Management and Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

marzooghi@shirazu.ac.ir

3 Ph.D. in Curriculum Studies, Department of Educational Management and Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Cite this Paper: Marzoghi'R & Dimeh Kar Haghighi'F.(2025). T The Logic of the General Education Curriculum Based on the Perspective of Ḥayāt Ṭayyibah. Journal of The Research in Islamic Education Issues, 33(67), 193–225.

Publisher: Imam Hussein University


© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



المنطق المنهجي في التعليم العام استناداً إلى رؤية الحياة الطيبة

رحمت اله مرزوقي^١ | فرزانه ديمه كار حقيقي^٢ 

الْمُلَخَّص

نظراً للهدف الأساسي الوارد في وثيقة التحول الأساسي لنظام التعليم والتربية في تمكين المتعلمين من بلوغ مراتب الحياة الطيبة كخطاب رئيسي في جميع مجالات التربية، هدفت هذه الدراسة إلى توضيح منطق المنهج الدراسي وأهدافه ومحتواه سعياً لتحقيق نهج الحياة الطيبة. وعليه، تم في البداية السعي لاستكشاف مفهوم الحياة الطيبة باستخدام المنهج النوعي وطريقة تحليل العملية الدورية، ثم استنتاج منطق المنهج الدراسي وأهدافه ومحتواه بناءً على الإطار المفاهيمي للحياة الطيبة باستخدام طريقة دراسة الحالة. أظهرت نتائج البحث أن التركيز على الحياة الطيبة كمنطق وفلسفة للمنهج الدراسي يمكن أن يحدد توجهه بقية عناصر المنهج الدراسي نحو الحياة الطيبة، ومن خلال ذلك، يتم تهيئة الظروف لتكامل المتعلم من خلال تعزيز إيمانه ومعتقداته ومعرفته وأدائه. ومن هذا المنظور، فإن أهداف المنهج الدراسي ومحتواه تستند إلى المبادئ التوحيدية والعقائدية، مع التركيز على القيم والمعتقدات الإسلامية والأخلاقية في العلاقات الأربع: العلاقة مع الذات، العلاقة مع الله، العلاقة مع الخلق، والعلاقة مع المخلوقات.

الكلمات الرئيسية: المنطق، الأهداف، المحتوى، المنهج الدراسي، الحياة الطيبة

١. المؤلف المسؤول: أستاذ قسم الإدارة والتخطيط التربوي، كلية العلوم التربوية والنفسية، جامعة شيراز، شيراز، إيران
marzooghi@shirazu.ac.ir

٢. دكتوراه في دراسات المناهج الدراسية، قسم الإدارة والتخطيط التربوي، كلية العلوم التربوية والنفسية، جامعة شيراز، شيراز، إيران

الاستشهاد: مرزوقي، رحمت اله؛ ديمه كار حقيقي، فرزانه. (١٤٤٧). المنطق المنهجي في التعليم العام استناداً إلى رؤية الحياة الطيبة،

مجلة العمى البحث في قضايا التربية الاسلامية، ٢٢٥-١٩٣. DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.68.8.2



© المؤلفون

الناشر: جامعة الامام الحسين (ع)

المؤلفون هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (CC BY).



منطق برنامه درسی تعلیم و تربیت عمومی مبتنی بر دیدگاه حیات طیبه^۱

رحمت‌اله مرزوقی^۲ | فرزانه دیمه‌کار حقیقی^۳

۶۸

سال سی و سوم
پاییز ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵
صص: ۲۲۵-۱۹۳

شابا چاپ: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



چکیده

نظر به آرمان اساسی مندرج سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش در دستیابی متریبان به مراتب حیات طیبه به عنوان گفتمان کلیدی در تمامی ساحت های تربیتی، پژوهش حاضر با هدف تبیین منطق، هدف و محتوای برنامه درسی در راستای نیل به رهیافت حیات طیبه انجام شد. براین اساس نخست تلاش شد تا با استفاده از رویکرد کیفی و روش فرآیند چرخه ای تحلیل مفهوم حیات طیبه کاوش گردد و سپس با استفاده از شیوه مطالعه موردی منطق، اهداف و محتوای برنامه درسی براساس چارچوب مفهومی حیات طیبه استنتاج شود. نتایج پژوهش نشان داد که توجه به حیات طیبه به عنوان منطق و فلسفه برنامه درسی می‌تواند جهت گیری سایر عناصر برنامه درسی را به سوی حیات طیبه تعیین نماید و از این رهگذر با تقویت ایمان، باور، دانش و عملکرد متریبی زمینه تعالی وی فراهم شود. از این منظر اهداف و محتوای برنامه درسی نیز مبتنی بر مبانی توحیدی و اعتقادی بوده و بر ارزش ها و باورهای اسلامی و اخلاقی در روابط چهارگانه ارتباط با خود، ارتباط با خدا، ارتباط با خلقت و ارتباط با خلق تاکید دارد.

کلیدواژه‌ها: منطق؛ اهداف؛ محتوا؛ برنامه درسی؛ حیات طیبه.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان "توسعه چارچوب برنامه درسی با رهیافت حیات طیبه در نظام تعلیم و تربیت" می‌باشد
۲. نویسنده مسئول: استاد، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
marzooghi@shirazu.ac.ir
۳. دکتری مطالعات برنامه درسی، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

استناد: مرزوقی، رحمت‌اله؛ دیمه‌کار حقیقی، فرزانه. (۱۴۰۴). منطق برنامه درسی تعلیم و تربیت عمومی مبتنی بر دیدگاه حیات طیبه، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۹۳-۲۲۵. DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.68.8.2

© نویسنندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

تداوم و پیشرفت هستی به شکل متعالی و پایدار، خواسته درونی و همگانی انسان‌هاست. این خواست فطری، محرک دائمی انسان در مسیر تکامل است و تربیت، به عنوان یک فرایند اجتماعی، نقشی کلیدی در تسهیل و هدایت این تکاپو ایفا کرده و از این طریق، تداوم و تکامل حیات انسانی را تضمین می‌کند. در دیدگاه اسلامی و براساس نخستین آیات (آیات ۴ و ۵ سوره علق) دو عنصر بنیادین تربیت، کسب علم و دانش و همچنین تعالی روح و کمال انسانی معرفی شده است و خداوند متعال نیز انسان را به نیروی عقل و ابزار معرفت مجهز نموده و پیامبرانی را نیز با دلیل روشن و احکام و قوانین محکم بر گزیده است تا رسالت تعلیم و تربیت انسان را به آنان واگذار نماید. از این رو تربیت، در دستیابی آگاهانه و آزادانه انسان به هستی متعالی و جاودانه نقش داشته و اهمیت می‌یابد و فرآیند فراگیر و جهت دهنده است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۱) که تمامی شئون و ساحت‌های حیات انسانی را که وسیع‌تر و ژرف‌تر از رفتار بیرونی و نهان و سرشت آدمی است در بر گرفته و در اقتصاد، مدیریت، سیاست، جنگ، صلح، هنر، ادبیات، تکنولوژی، دانش‌های انسانی، روابط اجتماعی، رشد و تعالی درونی‌ترین ویژگی‌ها، خصلت‌های روحی و روانی انسان‌ها رخ می‌نماید (هاشمی، ۱۳۸۸: ۳۰) و بر آینده‌های مستقیم دارد. لذا براین اساس، با توجه به این که محور دعوت انبیا ربوبیت خداوند است، تربیت می‌تواند به معنای شناخت رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او باشد (باقری، ۱۳۹۸). در این تعریف شناخت، انتخاب و عمل عناصر اصلی هستند و لذا می‌توان این فرآیند را عملی جامع و یک پارچه، تدریجی، هماهنگ، فراگیر و همیشگی (مادام‌العمر) و مشتمل بر تمام فرآیندهای زمینه ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی دانست که به صورت امری واحد، با تکوین و تعالی پیوسته و یکپارچه تمام ابعاد فردی و اجتماعی وجود انسان، به منزله یک کل، سر و کار دارد (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر، فرایند تعاملی تربیت، که بستر تکوین و تعالی هویت انسان را فراهم می‌کند، از هدفمندی ویژه‌ای برخوردار است. به تعبیری دیگر، غایت تربیت، همان غایت زندگی است و محور اساسی ارتقاء حیات آدمی به شمار می‌رود، تا انسان را در مسیر حرکتی آگاهانه و مختارانه

به سوی غایت هستی هدایت کند. بر اساس اسناد بالادستی، غایت زندگی آدمی، نیل به قرب الی الله و تحقق اختیاری نوعی زندگی شایسته انسانی بر اساس نظام معیار دینی است که «حیات طیبه» نام دارد. در واقع حیات طیبه به عنوان یکی از اصلی ترین مفاهیم قرآن کریم، مرتبه ای از حیات تعالی یافته دنیوی و اخروی می باشد. این نوع از حیات، که دو معیار ایمان (باور به خدای یگانه) و عمل صالح (انطباق تمام مراتب و ابعاد زندگی با تقوا) لازمه آن است، تمامی ظرفیت ها و ظرافت های مندرج در وجود آدمی را در بر گرفته و شاخصه های زندگی دینی و الهی وی را تعیین می کند تا ضمن تحقق تمامی مبانی و ارزش های مبتنی بر دین حق در وجود وی، آدمی را به سوی قرب الی الله و کمال هدایت نماید، و انسان هایی در تراز و مقیاس انسان متعالی اسلامی رشد یابند تا به واسطه برخورداری از حیات طیبه، مأموریت خویش را در نظام آفرینش الهی به عنوان نماینده و جانشین خداوند ایفا کنند (دیمه کار حقیقی، ۱۴۰۱). از این رو فردی که دارای حیات طیبه است، انسانی متعادل است که علاوه بر شکوفایی فطرت الهی خود، به رشد همه جانبه استعداد های طبیعی و تنظیم متعادل عواطف و تمایلاتش بر اساس نظام معیار اسلامی (به دور از هرگونه افراط و تفریط) دست یافته است و جامعه ای که موصوف به حیات طیبه است، یعنی جامعه صالح، نیز در مسیر تحقق مفهوم قرآنی "امت وسط"، از حد قابل قبولی از همه شاخص های اجتماعی "زندگانی سالم و طبیعی (و البته تعالی جوینانه) انسان"، به طور متوازن - البته بر اساس همین نظام معیار اسلامی - برخوردار است (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۱).

همچنین برای دستیابی به حیات طیبه، لازم است شرایط لازم برای شکل گیری و رشد مستمر هویت فردی و جمعی افراد جامعه فراهم شود تا جامعه ای شایسته بر پایه نظام ارزشی اسلامی پدید آید و به تکامل برسد. فرآیند تربیت نیز با ایجاد بسترهای مناسب، زمینه ساز گسترش و ارتقای مداوم ظرفیت های وجودی افراد و در نتیجه، بسط و اعتدالی مجموعه ی باورها، نگرش ها و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه خواهد شد.

از همین رهگذر، در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، در تدوam حرکت انبیاء الهی برای ساماندهی نیروهای فردی و اجتماعی در راستای کمال آدمی و ایجاد زمینه های مناسب در جهت تحقق آن بر اساس نظام معیار دینی؛ الگو ویژه ای از تعلیم و تربیت طراحی شده است که مبتنی بر مبانی توحیدی، جهت گیری ها، رویکردها، ارزش ها و روش های اسلامی می باشد و زمینه

پرورش و تعالی همه نیروها، سرمایه‌ها و استعدادها را با تأکید بر تعمیق باورها و ارزش‌های اسلامی فراهم آورده است. در این نظام تربیتی، یکی از محوری‌ترین گفتمان‌های سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت، بهره‌مندی مسائل مهم آن از نظام‌های فکری و ارزشی معتبر و مقبول در جامعه اسلامی می‌باشد، لذا، رویکرد حاکم بر فلسفه و سند تعلیم و تربیت را باور عمیق به اسلام و اندیشه‌ها و ارزش‌های والای آن قرار داده است. سند تحول بنیادین در بخش مبانی نظری، با استناد به آیه ۹۷ سوره نحل، "حیات طیبه" را به عنوان غایت اصیل زندگی انسان معرفی می‌نماید و اشاره می‌کند که برای دست‌یابی به هر یک از مفاهیم غایی آفرینش انسان در دیدگاه دینی، باید تحقق حیات طیبه را به مثابه مقدمه‌ای ضروری و پیش‌نیاز به شمار آورد. در حقیقت این مفهوم قرآنی هسته مرکزی "فلسفه" تربیت در جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید و تحقق آن در سند تحول بنیادین تعلیم و تربیت به عنوان هدف نهایی نظام تعلیم و تربیت بیان شده است (مروجی، ۱۳۹۱). در سند برنامه درسی ملی نیز، رویکرد برنامه‌های درسی و تربیتی «فطرت‌گرایی توحیدی» است. اتخاذ این رویکرد به معنای زمینه‌سازی لازم جهت شکوفایی فطرت الهی دانش‌آموزان از طریق درک و اصلاح مداوم موقعیت آنان به منظور دستیابی به مراتبی از حیات طیبه می‌باشد (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱). اتخاذ رویکرد فطرت‌گرای توحیدی در برنامه‌های درسی و تربیتی به معنای آن است که متریبان بتوانند از طریق درک و اصلاح مداوم موقعیت، زمینه لازم جهت شکوفایی فطرت الهی خویش به منظور دستیابی به مراتبی از حیات طیبه را داشته باشند. لذا با توجه به این که غایت نهایی نظام تعلیم و تربیت دستیابی متریبان به مراتب حیات طیبه می‌باشد، برنامه درسی مبتنی بر حیات طیبه یکی از مهم‌ترین انواع برنامه‌ها ناظر بر ویژگی‌ها، نیازها و فطرت الهی متریبان و نیازهای اساسی جامعه و زمینه‌ساز ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی است. به گونه‌ای که تمامی اجزا و عناصر این برنامه مبتنی بر مبانی توحیدی و اصول و ارزش‌های اسلامی باشد. این نوع از انواع برنامه‌های درسی به عنوان بستری برای تقویت اندیشه، ایمان و عمل دینی متریبان، تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان تا دستیابی به مراتب "حیات طیبه" تلقی می‌گردد و به دنبال ارائه آگاهی درباره اخلاقیات، عقاید و باورها، احکام و دستورات اسلامی، ارزش‌ها و نگرش‌های دینی به متریبان است تا براساس آن بتوانند زندگی فردی و اجتماعی خود را بر محور بندگی خداوند سامان بدهند و به گونه‌ای فعال،

جامعه را به سوی آرمان های اسلامی سوق داده و در برابر آسیب های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، ایستادگی و مقاومت کنند (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱). لذا با توجه به مبانی نظری سند تحول بنیادین و همچنین رویکرد «فطرت گرایی توحیدی» در سند برنامه درسی ملی، تحقق مراتب حیات طیبه و شکوفایی فطرت متریان (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۱) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد و لازم است، مقدمات شکل‌گیری و پیشرفت پیوسته جامعه صالح (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱) و فرصت و شرایط مناسب و منسجم برای رشد همه جانبه متریان از مسیر نظام تعلیم و تربیت فراهم شود و لذا پرداختن به کیفیت برنامه درسی های درسی به عنوان طرح تربیت و قلب نظام تعلیم و تربیت ضرورت می‌یابد.

طراحی برنامه درسی^۱ به فرآیندی اشاره دارد که نتیجه آن یک طرح مشخص برنامه درسی است. این فرآیند هدفمند، سنجیده، خلاقانه و مشتمل بر مراحل معینی است. در حوزه طراحی برنامه درسی، عناصر تشکیل دهنده برنامه مطرح و درباره کیفیت و ویژگی های آن‌ها با توجه به چارچوب فکری، عقیدتی و ایدئولوژیکی طراح برنامه درسی (مرزوقی، ۱۴۰۰؛ ۱۳) بحث می‌شود. با توجه به پیشینه علمی مباحث مرتبط با تعداد، تنوع و تعاریف عناصر برنامه درسی، مشاهده می‌گردد که بین صاحب نظران این رشته توافق چندانی وجود نداشته و در این خصوص افرادی همچون لوی^۱ (۱۳۹۱)، تایلر^۳ (۱۳۹۴)، تابا^۴ (۱۹۷۱)، آیزنر^۵ (۲۰۰۲) و کلاین^۶ (۱۹۹۱) عناصر را مورد طبقه بندی قرار داده اند که عناصر از ۳ الی ۹ عنصر متغیر می‌باشد. در این خصوص آکر^۷ (۲۰۰۳:۶) در یک آرایش تار عنکبوتی عنصر منطق^۸ (چرایی یادگیری) را به عناصر افزوده و فتحی و اجارگاه (۱۴۰۱) و مرزوقی (۱۴۰۰) نیز در طبقه بندی عنصر منطق را مورد توجه قرار داده اند. منطق برنامه درسی، از جمله موضوعاتی است که مبنای تصمیم‌گیری در خصوص سایر عناصر می‌باشد و این محور مرتبط با حوزه «فلسفه یادگیری» و تعلیم و تربیت است که طراح برنامه درسی باید منطق مورد نظر خود را بیان، تشریح و تصریح نماید (مرزوقی، ۱۴۰۰: ۱۵). در واقع منطق نقش

1. Curriculum Design
2. Lewy
3. Tyler
4. Taba
5. Eisner
6. Klein
7. Akker
8. Curriculum Rationale

محوری، چرایی برنامه درسی و ماموریت اصلی برنامه درسی را به عهده دارد و در حکم مولفه‌ای جهت دهنده در فرآیند تصمیم سازی برنامه درسی عمل می‌کند. در طراحی برنامه درسی، همه عناصر و مولفه‌ها حول محور منطق اصلی برنامه به یکدیگر متصل و مرتبط هستند (فتحی و اجارگاه، ۱۴۰۱: ۱۳۷). لذا قبل از پرداختن به سایر عناصر برنامه درسی در مقوله طراحی، باید منطق برنامه مشخص شود.

بنابراین در حوزه تعلیم و تربیت برای این که فرد بتواند واقعیت حیات طیبه را در ذات خود احساس کند (مانند ضرورت راستگویی و عدالت طلبی)، باید عوامل درک و فراگیری واقعیات حیات اصیل در فراگیران تقویت شود و زمینه انتقال تدریجی از حیات طبیعی فرد برای به حیات طیبه از اهداف و وظایف تعلیم و تربیت باشد (شرح نهج البلاغه، ۱۳۷۵، ج ۸: ۱۶۱-۱۶۳؛ جعفری، ۱۴۱: ۱۳۸۷-۱۴۷؛ به نقل از چراغی، ۱۳۹۰). در واقع فراگیر برای بقاء و ماندگاری خود و همچنین برای دستیابی به «حیات طیبه» در قلمرو فردی و اجتماعی باید خود طبیعی را به خود انسانی تبدیل نماید. بنابراین وظیفه تعلیم و تربیت این است که برنامه‌های خویش را در جهت بالفعل سازی شخصیت انسانی در راستای حیات طیبه تهیه و تنظیم نماید. این مجموعه تصمیمات در قالب "عناصر برنامه درسی" به طرق مختلف فرصت‌هایی را برای متربیان و اثرگذاری بر روی آنان فراهم می‌سازد و بدیهی است که اگر این مجموعه تصمیمات در جهت پرورش فطرت الهی و ایجاد یک شخصیت متعادل و پویا تنظیم شوند، مصداق یک نوع برنامه پاک خواهند بود. اما مسئله اصلی در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی این است که بدون تعیین منطق مشخص و شفاف، دیگر عناصر برنامه درسی به درستی قابل شناسایی و طراحی نخواهند بود. چرا که منطق به عنوان یک چارچوب اصلی، تعیین می‌کند که ساختار کلی برنامه درسی چگونه باید شکل بگیرد و محتوای آن بر اساس چه اصول، اهداف و ارزش‌هایی باید تنظیم شود. در واقع، منطق حاکم بر برنامه درسی راهنمایی می‌کند که محتوای آموزشی چگونه باید با اهداف تربیتی و پرورش شخصیت انسانی هم‌راستا باشد. از این رو، برای اینکه اهداف و محتوای برنامه درسی به درستی طراحی و تدوین شود، باید ابتدا منطق حاکم بر آن تعیین گردد. تنها پس از شفاف سازی این منطق است که می‌توان ویژگی‌های محتوای برنامه درسی را در راستای تحقق اهداف تربیتی، علمی و معنوی، به ویژه در جهت تحقق حیات طیبه، تنظیم نمود. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش این

است که ابتدا منطق محتوای برنامه درسی مشخص شود و سپس بر اساس آن، دلالت‌های لازم بر اهداف و محتوای برنامه درسی ذکر گردد تا به تحقق حیات طیبه و پرورش شخصیت انسانی در نظام تعلیم و تربیت کمک کند.

مبانی نظری

برنامه درسی و عناصر آن

مهرمحمدی (۱۳۹۹) بیان می‌کند طراحی برنامه درسی در دو سطح عام (شناسایی عوامل مؤثر) و خاص (شناسایی عناصر برنامه درسی) انجام می‌گیرد. در طراحی برنامه درسی در سطح خاص، عناصر برنامه درسی مورد تاکید است. به عبارت دیگر در حوزه طراحی برنامه درسی، عناصر تشکیل دهنده یک برنامه درسی مطرح می‌شود (فتحی و اجارگاه، ۱۴۰۱). هر برنامه درسی از عناصر متفاوتی تشکیل می‌شود و در آن نوع جهت‌گیری برنامه درسی، تعیین‌کننده چگونگی اجرای عناصر برنامه درسی است (نوروززاده و فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۱). درباره عناصر برنامه درسی بین متخصصان هنوز توافق قطعی وجود ندارد. به عنوان مثال، تایلر (۱۹۴۹) عناصر برنامه درسی را شامل اهداف و مقاصد، تجارب یادگیری، سازماندهی و ارزشیابی می‌داند. آیزنر (۱۹۸۵) عناصر برنامه درسی را شامل هدف، محتوا، انواع فرصت‌های یادگیری، سازماندهی محتوا، روش ارائه و پاسخ و ارزشیابی بر می‌شمارد. بوشامپ^۱ (۱۹۸۲) عناصر برنامه درسی را عبارت از بیان هدف و مقصود، محتوا، کاربرد و ارزشیابی می‌داند. کلاین (۱۹۹۱) عناصر برنامه درسی را شامل اهداف، محتوا، راهبردهای تدریس-یادگیری، مواد و منابع، فعالیت‌های یادگیری فراگیران، روش‌های ارزشیابی، گروه بندی فراگیران، زمان و فضا می‌داند (مهرمحمدی، ۱۳۹۹). در الگوی برنامه درسی زایس^۲، عناصر اصلی برنامه درسی عبارتند از غایت‌ها، هدف‌های کلی و هدف‌های عینی، محتوا، فعالیت‌های یادگیری و ارزشیابی (کنت، ۲۰۱۰، ترجمه شعبانی و همکاران، ۱۳۹۴) سیلور و الکساندر (به نقل از نوروززاده و فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۱) نیز در طرح برنامه درسی عناصر هدف‌های آرمانی و عینی، گزینش و ایجاد طرح برنامه، تدوین طرح اجرایی و انتخاب روشهای

1. Beauchamp

2. zais

ارزشیابی را بر می شمارد. اگر (۲۰۰۳) بر اساس الگوی کلاین، عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی را در قالب ۱۰ عنصر مورد توجه قرار داده است که به غیر از عنصر منطق یا چرایی برنامه درسی، سایر عناصر با الگوی کلاین مشترک هستند (فتحی و اجارگاه، ۱۴۰۱). مهر محمدی (۱۳۹۹) نیز عوامل و عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی را که اغلب در مباحث مربوط به الگوهای برنامه درسی از آن یاد می شود، شامل اهداف، محتوا، فعالیت های یادگیری فراگیران و روش ارزشیابی می داند. مرزقی (۱۴۰۱) در تحلیل و بررسی جامع عناصر برنامه درسی را شامل ۳۰ عنصر بیان می کند.

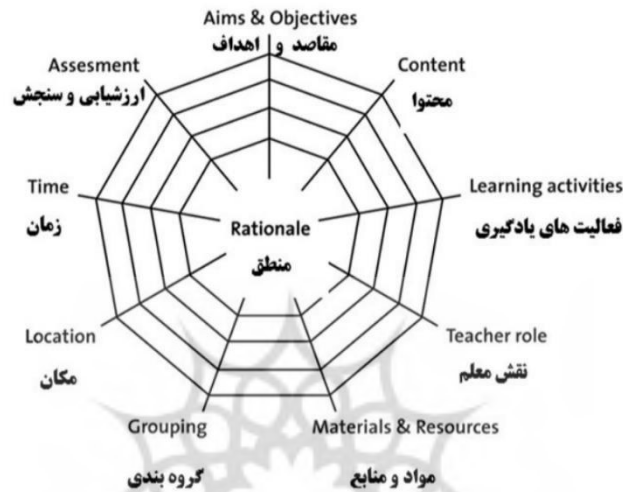
در الگوی برنامه درسی اگر، عنصر «منطق» به عنوان هسته مرکزی برنامه درسی در نظر گرفته می شود که سایر عناصر برنامه حول آن سازمان دهی می شوند. منطق به اصول کلی یا مأموریت اصلی برنامه اشاره دارد و نه مؤلفه دیگر به طور ایده آل با آن دلیل و منطق و ترجیحاً با یکدیگر هماهنگ هستند. به عبارت دیگر، برای هر عنصر برنامه درسی باید به این سؤال پاسخ داده شود که «چرا» این عنصر انتخاب شده است. این رویکرد به برنامه درسی ساختاری شبیه به تار عنکبوت می دهد که در مرکز آن منطق قرار دارد و سایر عناصر به صورت شعاعی از آن منشعب می شوند (فتحی و اجارگاه، ۱۴۰۱). تجسم این الگو به صورت تار عنکبوت نه تنها بر ارتباط بین عناصر دلالت دارد بلکه نشان دهنده آسیب پذیر بودن این ارتباط بوده و بیانگر این مطلب است که همواره همه عناصر باید همسو با منطق برنامه و سایر مؤلفه ها باشند و اگر روزی قرار باشد یک مؤلفه تغییر کند به ناچار تغییر در سایر مؤلفه ها هم تأثیر می گذارد. پس از قبل از هرگونه تغییر در یک مؤلفه ابتدا باید تأثیر آن در تمام مؤلفه ها مشخص و برنامه ریزی شود علاوه بر این تجسم تار عنکبوتی بیانگر این جمله است که قدرت هر زنجیر به اندازه ضعیف ترین پیوند آن است این استعاره اشاره به پیچیدگی فرایند توسعه برنامه درسی به صورت متعادل و متوازن و پایدار دارد (اگر و همکاران، ۲۰۱۰).

در واقع منطق برنامه درسی چرایی یادگیری را بیان می کند و مبنای اساسی برای تمام تصمیم گیری ها در رابطه با سایر عناصر برنامه درسی می باشد (مرزوقی، ۱۴۰۱). از سوی دیگر اهداف در نظام تربیتی کمال مطلوب و وضعیت و نقاط مطلوبی هستند که برای زندگی ترسیم می شوند و در هر حوزه تعلیم و تربیت نیز می توانند تمامی اقدامات تربیتی را جهت بخشند، اهداف انواع و سطوح گوناگونی دارد که به انواع اهداف آرمانی، اهداف کلی، اهداف عینی و اهداف

رفتاری تقسیم بندی می‌شوند (مرزوقی، ۱۴۰۰: ۴۷). بنا بر دیدگاه اعرافی نیز هدف غایی، اهداف کلی، اهداف میانی یا واسطی و اهداف جزئی دسته بندی دیگری از اهداف هستند (اعرافی و همکاران، ۱۳۹۵). در دیدگاهی دیگر کراتول هدف‌های کلی، رفتاری و تدریس و همچنین داویس نیز مقاصد آموزشی، هدف‌های عمومی و هدف‌های ویژه را مطرح می‌نماید. سیلور و الکساندر نیز مقاصد، هدف‌های کلی، هدف‌های جزئی و هدف‌های عینی خاص را به عنوان سطوح اهداف در نظر گرفته است (ملکی، ۱۴۰۱). با ملاحظه تعدد آرا در مورد سطوح اهداف، می‌توان دریافت که با توجه به وضعیت و نوع نظام آموزشی می‌توان سطوح مختلفی را ارائه کرد. لذا عدم توافق اهمیت ندارد بلکه مهم آن است که این موضوع در نظر گرفته شود، اهداف سطوح دارند و هر سطحی نیز از هدف‌های سطح بالاتر خود تحلیل می‌شود. لذا با توجه به این امر در نظام آموزشی (متمرکز) و نظام اعتقادی همه شمولی که در کشور وجود دارد سطوح اهداف آرمانی، اهداف کلی، اهداف عینی و اهداف رفتاری (مرزوقی، ۱۴۰۰) قابل پذیرش است. محتوا نیز نخستین گام در تحقق اهداف آموزشی محسوب می‌شود و به‌عنوان ماده اصلی برنامه درسی، شامل آنچه که باید آموخته شود، از جمله حقایق، مفاهیم، اصول، نظریه‌ها و تعمیم‌ها است. علاوه بر این، محتوا به فرایندهای شناختی نیز اشاره دارد که یادگیرندگان هنگام تفکر درباره آن به کار می‌گیرند (فتحی و اجارگاه، ۱۴۰۲). به‌عبارت‌دیگر، محتوا شامل اصول و مفاهیمی است که به دانش‌آموزان ارائه می‌شود تا ورود آن‌ها به فعالیت‌های آموزشی تسهیل شده و دستیابی به اهداف نهایی آموزشی ممکن گردد. در واقع محتوای برنامه درسی نه تنها به بخش‌ها و اجزای سازمان‌یافته‌ای که به‌صورت منظم یک رشته علمی را شکل می‌دهند اطلاق می‌شود، بلکه وقایع و پدیده‌هایی را نیز در برمی‌گیرد که به نوعی با حوزه‌های مختلف علمی مرتبط هستند (لوی، ۱۳۹۱: ۴۴).

با توجه به مباحث مطرح‌شده، اگر بر این باور است که هسته مرکزی یک برنامه درسی، که همان منطق آن است، معمولاً در ارتباط تنگاتنگی با اهداف و محتوای یادگیری قرار دارد. این هسته اصلی به‌طور کلی تغییراتی را در بسیاری از جنبه‌های دیگر یادگیری ایجاد می‌کند. از این‌رو، با در نظر گرفتن نقش محوری منطق یا چرایی برنامه درسی - که مأموریت اصلی برنامه را تعیین کرده و به‌عنوان مؤلفه‌ای جهت‌دهنده در فرآیند تصمیم‌سازی برنامه درسی عمل می‌کند - می‌توان ساختار برنامه

درسی را به گونه‌ای ترسیم کرد که در آن تمامی عناصر و مؤلفه‌ها پیرامون منطق اصلی برنامه درسی به صورت منسجم و مرتبط سازمان‌دهی شوند (اکر، ۲۰۰۳، به نقل از فتحی و اجارگاه، ۱۴۰۱: ۱۳۷).



شکل ۱. الگوی تار عنکبوتی عناصر برنامه درسی اکر (اکر، ۲۰۰۳، به نقل از فتحی و اجارگاه، ۱۴۰۱)

حیات طیبه

حیات طیبه اصلاحی است که قرآن کریم آن را مطرح کرده است:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل/۹۷)

واژه حیات کلمه‌ای عربی از ریشه (حی) مقابل (میت) و به معنای زندگی و زیست است و در مقابل (موت) و (ممات) به معنای مرگ و مردن به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۷). در قرآن نیز، به عنوان یکی از مخلوقات خداوند نام برده شده، «الذی خلق الموت و الحیاه: ملک/۲» و دارای معانی مختلفی مثل، نیروی رشد کننده در گیاهان و حیوانات، نیروی حساس و حس کننده، نیروی فعال و عاقل و دارای قوه اندیشه، برطرف شدن غم و اندوه، زندگی ابدی آخرت، حیاتی که به پروردگار نسبت داده می‌شود؛ یعنی زوال ناپذیر، عقل و سعادت، به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷).

طیب نیز در لغت به چیزی اطلاق می‌گردد که فی نفسه مطلوب و به دور از آلودگی ظاهری و باطنی باشد و نقطه مقابل آن خبیث است؛ همچنین به معنای خوش اخلاق نیز بکار رفته است (ابن منظور، ۱۴۳۷، ج ۳: ۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). وصف طیب در قرآن هم برای انسان به کار برده شده است "يَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ" (انفال/۳۷) و هم برای غیر انسان "فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا" (مائده/۶)، بلده طیبه (اعراف/۵۸)، کلمه طیبه، شجره طیبه (ابراهیم/۲۴)، ذریه طیبه (آل عمران/۳۸)، ریح طیبه (یونس/۲۲)، حلالاً طیباً (بقره/۱۶۸)، حیاه طیبه (نحل/۹۷) و مشتقات دیگر (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷: ۱۵۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۷). این واژه معنی دلچسبی، پاکیزگی، سالم و مفید بودن و پاکی مادی و معنوی از نقص و حلال و طاهر بودن را می‌رساند و انسان طاهر و طیب نیز به معنی کسی است که از نجاست جهل، فسق و اعمال زشت، خود را به وسیله ی علم و ایمان و عمل صالح پاک و مزین نماید. طیب وصف حیات نیز واقع شده است و زندگی کسی که اهل ایمان باشد و خود را به عمل صالح مزین کرده باشد را به صفت طیبه ستوده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳: ۲۴۳۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷: ۱۵۳) و آن زندگی مطلوب، دلچسب و پسندیده و عاری از آلودگی را برای او به ارمغان می‌آورد.

بر این اساس حیات طیبه در لغت به معنای زندگی پاک از هر آلودگی است. علامه طباطبایی در اشاره به این معنا می‌گوید علت اینکه قرآن چرا آن زندگی را با وصف طیب توصیف فرموده، چون حیات خالصی است که خبثاتی در آن نیست (طباطبایی، ۱۳۷۵). حیات طیبه شکوفایی مرتبه فائده روح است که با اتصاف به ایمان و عمل صالح برای انسان پدید می‌آید. توضیح اینکه، در اندیشه قرآنی برای حیات، معنایی دقیق تری از آنچه به نظر ساده و سطحی می‌رسد، یافت می‌شود؛ چون در نگاه سطحی حیات عبارت است از زندگی دنیوی از روز ولادت تا روز مرگ، که دورانی است توأم با شعور و فعل ارادی که نظیرش یا نزدیک به آن در حیوانات نیز یافت می‌شود.

لذا خداوند زندگی دیگری برای انسان مطرح می‌کند که نتیجه آن کمال وجودی آدمی و تحقق بخشیدن اغراض روحی و معنوی انسان است. خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید اجابت کنید خدا و رسولش را زمانی که شما را می‌خوانند بدانچه زنده تان می‌سازد، و بدانید خدا حائل میان انسان و دل اوست، و اینکه به سوی او محشور شوید (انفال، ۲۴). این آیه به روشنی

از حیات برای کسانی که خود دارای حیات اند سخن به میان می آورد. شهید مطهری در این باره می نویسد:

«یکی از آیاتی که رسماً مردم را به دو دسته تقسیم کرده است، دسته زندگان و دسته مردگان، و قرآن را عامل حیات و پیغمبر را محیی، یعنی حیات بخش و زنده کننده معرفی کرده است، آیه ای است که شاید صریح ترین آیات قرآن در این مورد است می فرماید؛ این پیامبر برای شما حیات و زندگی آورده است. شما الان مرده اید، خودتان نمی فهمید؛ بیاید تسلیم این طبیعت روحانی مسیحا بشوید تا ببیند چگونه به شما زندگی می دهد» (مطهری، ۱۳۶۸، به نقل از حاجی صادقی ۱۳۹۳).

در واقع آنچه از چستی حیات طیبه استنباط می گردد این می باشد که حیاتی فراتر از حیات ظاهری می باشد و آثار زیادی در زندگی فردی و اجتماعی را متجلی می سازد چنانکه آیت الله مکارم شیرازی معتقد است که حیات طیبه تحقق جامعه ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی که از نابسامانی ها و درد و رنج هایی که بر اثر استکبار، ظلم، طغیان، هواپرستی و انحصار طلبی به وجود می آید و آسمان زندگی را تیره و تاریک می سازد؛ در امان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

برنامه درسی حیات طیبه در چارچوب طراحی برنامه درسی می تواند بر مبنای عناصر اساسی آن، یعنی «منطق»، «اهداف» و «محتوا» تحلیل شود. در الگوی برنامه درسی اکر، منطق به عنوان هسته مرکزی برنامه درسی عمل می کند که سایر عناصر از آن منشعب شده و به آن وابسته اند. این عنصر به چرایی و مأموریت اصلی برنامه اشاره دارد و مسیر کلی آن را تعیین می کند. از سوی دیگر، محتوا به عنوان نخستین گام در تحقق اهداف آموزشی، شامل دانش، مفاهیم و اصولی است که یادگیرندگان باید بیاموزند. در ارتباط با حیات طیبه، که در اندیشه قرآنی به عنوان حیاتی فراتر از زندگی مادی و متکی بر ایمان و عمل صالح تعریف شده است، می توان گفت که منطق برنامه درسی باید بر مبنای ارتقای کمال روحی و معنوی انسان شکل گیرد. به این ترتیب، محتوای برنامه درسی نیز باید در راستای تحقق این هدف، مفاهیمی همچون ایمان، اخلاق، رشد عقلانی و معنوی را دربرگیرد و ساختار آموزشی را به سوی تحقق جامعه ای متعادل و معنوی سوق دهد.

پیشینه پژوهش

مهدوی هزاره، ملکی، مهرمحمدی و عباسپور (۱۳۹۵) در پژوهش خود اشاره می‌کنند که فطرت، کرامت و اعتدال به عنوان مهمترین مبانی تربیت کودک، و انگیزه، آمادگی، احساسات، عملی بودن، به روز بودن و تدبر و تفکر به عنوان مهمترین مبانی تعلیم کودک به شمار می‌رود و بیان می‌کنند که آموزش دین و اخلاق با تاکید بر جنبه های عاطفی و مناسکی، توجه به تفاوت های فردی، توجه به نقش الگویی، جامعه پذیری، تمرین کنترل خود، قضاوت منطقی، گرایش به خوبی ها و تنفر از زشتی ها و به تاخیر انداختن خواسته ها مهمترین مصادق های دستیابی به حیات طیبه در کودکان می باشد. همچنین چاهخویی اناری (۱۳۹۵) در پژوهشی دیگر عنوان می‌نماید که برای ترمیم آموزش و پرورش معیوب که غایت و فرجامی را نمی‌توان برای آن متصور شد، لازم است به تعلیم و تربیت نگاه دیگری نمود و آن را از بنیان متحول کرد نگاهی که مبانی آموزش و پرورش را از دین می‌گیرد. نگاهی که هدف نهایی آموزش و پرورش را تقرب به خداوند عزیز مقتدر می‌بیند و در نهایت بر اساس مبانی استخراج شده از قرآن و کلام اهل بیت اصول و روش هایی را پیشنهاد می‌دهد که به سعادت بشر منتهی شده و به حیات طیبه رهنمون می‌کند. سماوی (۱۳۹۳) نیز در مطالعه خود هدف غایی نظام آموزش و پرورش در سند تحول بنیادین "را نیل دانش آموزان به حیات طیبه" دانسته و در پژوهش خود به ترسیم مختصات تربیتی و فلسفه وجودی حیات طیبه با تاکید بر آیات قرآن و روایات معتبر پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بنیان و برنامه ریزان نظام آموزش و پرورش بی وقفه درصدد رفع نقایص بوده و با توجه به دوران مهم و ارزشمند کودکی و نوجوانی فرصت را غنیمت شمرده و مسیر دستیابی دانش آموزان را به مراتب حیات طیبه هموار نموده و با اشاره به نقش الگویی معلم، و اهمیت این شغل، وظیفه مربیان را پس از خودسازی و تزکیه نفس، تربیت دانش آموزان متخلق به اخلاق و رفتار اسلامی می‌داند. فرمهبینی فراهانی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی به موضوع "بررسی جایگاه حیات طیبه در سند تحول بنیادین و تبیین راهکارهای تحقق آن در آموزش و پرورش" پرداخته

اند. یافته های سؤال اول پژوهش بیانگر آن است که فراوانی واژه حیات طیبه و جامعه صالح در فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران (۲۰۸ مرتبه)، فراوانی واژه حیات طیبه در فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران (۷۵ مرتبه) و فراوانی واژه حیات طیبه در رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران (۵۱ مرتبه) است که دلالت بر اهمیت جایگاه حیات طیبه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران دارد. در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، راهکارهایی نظیر توجه به انتخاب و تربیت معلمان شایسته، ایجاد فضای تعاملی میان مربیان و متریان، ایجاد هماهنگی بین عوامل مختلف نظام تربیتی برای دستیابی به اهداف و... در ارتباط با نقش عناصر مختلف نظام تعلیم و تربیت در تحقق حیات طیبه ذکر شد. نتایج سؤال سوم پژوهش نیز نشان داد با توجه به نظرات متخصصان؛ معلم، نهاد خانواده، محتوای برنامه های درسی، فعالیت های پرورشی و مدیران آموزشی به ترتیب به عنوان عناصر نظام تعلیم و تربیت در فراهم آوردن تحقق حیات طیبه نقش دارند. با توجه به نتایج حاصله می توان اذعان نمود انتخاب حیات طیبه و ایجاد آمادگی در متریان برای تحقق آن به عنوان هدف غایی فعالیت های تربیتی، مفهومی جامع است که دستیابی به این هدف غایی و کلی در گرو هماهنگی و نقش آفرینی همه نهادهای جامعه و عناصر مختلف نظام تعلیم و تربیت است. دیسناد (۱۳۸۸) به بررسی و تبیین مقایسه ای حیات طیبه از دیدگاه قرآن کریم با آرمانشهر لیبرالیسم و اهداف تربیتی پرداخته است. محقق ابتدا به بررسی حیات طیبه به عنوان هدف غایی انسان و زندگی آرمانی و ویژگی های آن از دیدگاه قرآن پرداخته سپس مشخصه ها و هدف های تربیتی منبث از آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و نقدی بر آرمان شهر لیبرالیسم و رویکرد تربیتی آن از منظر اسلام وارد کرده است. در حالی که تحقق آرمان شهر و حیات طیبه اسلام متکی به انسان طیبه و کامل است که نه تنها به تغییر و اصلاح وضع و حال درونی و باطنی یکایک افراد اهتمام می ورزد، بلکه مؤلفه های آرمان شهر لیبرالیسم را نیز حائز اهمیت می داند.

در جمع بندی کلی باید عنوان نمود با توجه به پژوهش های بررسی شده، یکی از حوزه های مغفول در مطالعات مربوط به حیات طیبه، بررسی عناصر برنامه درسی حیات طیبه است. اگرچه

تحقیقات متعددی به مبانی نظری، اهداف غایی، جایگاه حیات طیبه در اسناد بالادستی، و راهکارهای تحقق آن پرداخته‌اند، اما کمتر مطالعه‌ای به طراحی، تدوین، و تحلیل برنامه درسی مبتنی بر این مفهوم پرداخته است. به‌ویژه، چگونگی پیاده‌سازی حیات طیبه در سطوح مختلف برنامه درسی (تعیین اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و ارزشیابی) و ارتباط آن با نیازهای یادگیرندگان و اقتضائات جهانی و فناوری‌های نوین آموزشی همچنان جای تحقیق دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، رویکرد کیفی از نوع چندروشی کیفی دارد. در ابتدا، برای بررسی مفهوم حیات طیبه، از روش فرآیند چرخه‌ای تحلیل استفاده شد. آیات قرآن، خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و پژوهش‌های مرتبط با حیات طیبه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. سپس، اطلاعات حاصل بر اساس مراحل روش فرآیند چرخه‌ای تحلیل و با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون پردازش و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت مفهوم حیات طیبه استخراج گردید. در بخش بعدی، پس از روشن شدن مفهوم حیات طیبه و استدلالات آن، در پاسخ به سؤال دوم، ویژگی‌های منطق، اهداف و محتوای برنامه درسی بر اساس چارچوب مفهومی حیات طیبه استنتاج شد. در این مرحله، توجه خاصی به استنتاج ویژگی‌ها و جزئیات منطق و محتوا با تکیه بر این چارچوب مفهومی شد تا درک دقیق‌تری از ساختار و محتویات برنامه درسی حاصل گردد. با توجه به ماهیت هدف، از مطالعه موردی کیفی استفاده گردید. مطالعه موردی کیفی رویکردی است که برای فهم عمیق و چندجانبه یک مسأله استفاده می‌شود و اکتشاف یک پدیده را در زمینه واقعی آن با استفاده از منابع متعدد تسهیل می‌کند. این روش با فراهم نمودن دیدی کل‌نگر در مورد یک پدیده، می‌تواند نقش بسزایی در تولید دانش جدید داشته باشد (گیلهام، ۱۳۹۸). در این پژوهش نیز، با استفاده از الگوی مفهومی حیات طیبه، اسناد بالادستی و مطالعه مبانی نظری، تمامی مفاهیم مهمی که بر منطق، اهداف و محتوای برنامه درسی با رهیافت حیات طیبه تأثیر می‌گذارند، شناسایی شده و اطلاعات ضروری جمع‌آوری گردید. استفاده از منابع متعدد به‌منظور افزایش

روایی درونی مطالعه صورت گرفته است (کرو و همکاران، ۲۰۱۱) و توجه به یک مسأله از زوایای مختلف، به ایجاد یک تصویر کل نگر از پدیده کمک نماید.

سؤالات پژوهش

- ۱- مفهوم حیات طیبه مبتنی بر متون اسلامی چیست؟
- ۲- با توجه به مفهوم حیات طیبه مولفه های منطق، اهداف و محتوای برنامه درسی مبتنی بر حیات طیبه چیست؟

یافته های پژوهش

۱- مفهوم حیات طیبه مبتنی بر متون اسلامی چیست؟
مفهوم حیات طیبه طی مراحل فرآیند چرخه ای تحلیل که شامل گردآوری اطلاعات (شناسایی زمینه ها و منابع اطلاعاتی مرتبط و دسته بندی و سازماندهی اطلاعات)، تقلیل احیاگرانه داده ها (دستکاری، یکپارچه سازی، انتقال و نمایان سازی داده ها و اطلاعات گردآوری شده)، سازماندهی و تحلیل اطلاعات (جمع بندی، طبقه بندی اطلاعات در شکل های مختلف متن، جدول، نمودار، شکل، الگو) و در نهایت نتیجه گیری ارائه شد. یافته های این بخش نشان داد که آن چه که به عنوان فلسفه حاکم بر تعلیم و تربیت اسلامی تلقی می شود؛ باور عمیق به اسلام و اندیشه ها و ارزش های والای آن، به عنوان محور اساسی در تعلیم و تربیت است. در این پژوهش تلاش گردید تا با یک نگاه جامع و منسجم به متون اسلامی هدف کلان نظام تربیتی یا همان مفهوم کلیدی "حیات طیبه" که به عنوان وضع مطلوب زندگی بشر، و حاصل ارتقا و استعلا حیات طبیعی انسان با صبغة الهی بخشیدن به آن شناخته می شود (سند تحول بنیادین، ۱۳۸۹)، تعریف گردد. براساس نتایج به دست آمده از تحلیل کیفی متون قرآنی و اسلامی در واقع حیات طیبه به عنوان یکی از اصلی ترین مفاهیم قرآن کریم، مرتبه ای از حیات تعالی یافته دنیوی و اخروی می باشد. این نوع از حیات، که دو معیار ایمان (باور به خدای یگانه) و عمل صالح (انطباق تمام مراتب و ابعاد زندگی با تقوا) لازمه آن است، تمامی ظرفیت ها و ظرفیت های مندرج در وجود آدمی را در بر گرفته و شاخصه های زندگی دینی و الهی وی را تعیین می کند تا ضمن تحقق تمامی

مبانی و ارزش‌های مبتنی بر دین حق در وجود وی، آدمی را به سوی قرب الی الله و کمال هدایت نماید، و انسان‌هایی در تراز و مقیاس انسان متعالی اسلامی رشد یابند تا به واسطه برخورداری از حیات طیبه، ماموریت خویش را در نظام آفرینش الهی به عنوان نماینده و جانشین خداوند ایفا کنند. همچنین برای دست‌یابی به مفهوم غایی آفرینش انسان که در دیدگاه دینی حیات طیبه تصور می‌شود، باید کل عرصه‌ی حیات وجود انسانی را در نظر گرفت. به عبارت دیگر یکپارچگی و کلی‌نگری مفهوم پویا و متکامل "حیات طیبه" با در نظر گرفتن دو پیش‌نیاز اساسی تحقق آن در فرد، و همچنین تمامی ابعاد و شاخص‌های وجودی انسان و ساحت‌های زندگی فردی و جمعی می‌باشد.^۱

جدول شماره ۱. ابعاد مفهوم حیات طیبه مبتنی بر متون اسلامی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	مقوله‌ها (پیام‌ها)
ویژگی‌های حیات طیبه	پیش‌نیازها ویژگی‌ها	زندگی پاک	ایمان
			عمل صالح
		توکل به خدا و اخلاص	اخلاص، عدالت، توکل، اطاعت، خداترسی
		اطمینان قلبی و احساس ارزشمندی درونی	شجاعت، صلابت، استقامت، عزت نفس
		خوش اخلاقی و فروتنی	متنانت، ادب، خوشرویی، اخلاق نیکو، نشاط، تواضع، صداقت
		بردباری و خودکنترلی	شکیبایی، خویشتن‌داری، سعه‌ی صدر، صبر، رازداری، قناعت
		واقع‌بینی و عقلانیت	خوش‌بینی، امیدواری، واقع‌نگری، نظم، عقل سلیم
		بخشنندگی و فداکاری	احسان، سخاوت، کرامت،

۱. رجوع شود به:

https://www.aghloodin.ir/article_143037.html و https://esi.isu.ac.ir/article_77117.html

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	مقوله ها (پیام ها)	
			قلب سلیم، انصاف، جوانمردی	
		آگاهی و تعهد	وفاداری، امانت داری، بصیرت	
	ساحت ها/عوامل زمینه ای	محیط خرد	فردی، خانوادگی، علمی، زیستی و بهداشتی	
		محیط کلان	اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست محیطی، رسانه ای	
	موانع	خودپرستی و غرور		تکبر، بلندپروازی، خودبزرگ بینی، فخر فروشی، خودپسندی، خودمحوری، خودرایی، خودکامگی
			حسادت و زیاده طلبی	کینه توزی، بخل، حسرت، حسادت، حرص، طمع، سنگ دلی
			رفاه خواهی و هوس رانی	سستی، راحت طلبی، ناامیدی، تمسخر، شهوت رانی، حرام خواری
		بدگمانی و افترا		غیبت، غفلت، شک و تردید، سوء ظن
			بدعهدی و تزویر	فریب کاری، دروغ گویی، بدقولی، پیمان شکنی، خیانت، تهمت، دورویی، سخن چینی
			دوگانگی و اختلاف	تفرقه، سودجویی، چاپلوسی، بدعت گذاری، نزاع
اسراف و ستیزه گری			اسراف، افراط و تفریط، نافرمانی، خشونت	
		بدخلقی و ناشکری	منت گذاری، بد اخلاقی، شتاب زدگی، ناسپاسی	

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	مقوله ها (پیام ها)	
شاخص ها/راهبردها	معارف و تربیت محوری	خداشناسی و خودشناسی	خدا محوری، تقوا محوری، عرفان محوری، اخلاص محوری، عقبی محوری	
		ولایت محوری	ولایت محوری، اطلاعات محوری، هدایت محوری، جامعیت محوری	
		کمال محوری	فطرت محوری، تزکیه محوری، فضیلت محوری، حکمت محوری، طیب محوری	
	پیامدها/دستاوردها	رستگاری و مصلحت اندیش	فرد محوری، رشد محوری، خانواده محوری، اصالت محوری، عمل محوری، اختیار محوری	بخشش، خیرخواهی، قدرشناسی، پرهیزکاری، تزکیه نفس، رستگاری، برابری
		فرزادگی و خویشتن سازی	حکمت و دانش، عقلانیت آگاهی و حقیقت بینی، دانایی، آینده نگری، خودسازی، خردمندی، بینش، تدبیر، فرصت شناسی، ژرف اندیشی	فرزادگی و خویشتن سازی
		حق طلبی و خیرخواهی	امر به معروف، نهی از منکر، هماهنگی ظاهر و باطن، تشخیص حق از باطل، حق جویی، هدایت پذیری، کسب حلال	امر به معروف، نهی از منکر، هماهنگی ظاهر و باطن، تشخیص حق از باطل، حق جویی، هدایت پذیری، کسب حلال

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	مقوله ها (پیام ها)
		شایستگی های رفتاری	گفتار پسندیده، عمل نیک، دوستی و محبت، خرسندی، آرامش، امنیت، عزت، کمال، شرافت، نیک نفس،
		استقلال طلبی	اقتدار، استقلال، اعتماد، وحدت و همدلی

۲- با توجه به مفهوم حیات طیبه مولفه های منطق، اهداف و محتوای برنامه درسی مبتنی بر حیات طیبه چیست؟

براساس الگوی حیات طیبه، مولفه های مرتبط با عنصر منطق، اهداف و محتوای برنامه درسی با رهیافت حیات طیبه در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران را می توان به صورت جداول زیر بیان نمود لازم به ذکر است تنها نمونه ای از شواهد ذکر شده است، اما جدول کامل با منابع جهت استفاده پژوهشگران در دسترس خواهد بود.

جدول شماره ۲: مولفه های منطق برنامه درسی

مؤلفه ها	آیات و روایات متناظر
ضرورت توجه به نیاز فطری "طیب طلبی"، "خیرخواهی" و "نیک خواهی ذاتی" انسان	بقره/۱۶۸، مائده/۲، نحل/۹۰، خطبه/۱، حکمت/۲۵۲، دعای/۲۰، دعای/۵، دعای/۱۴،
پاسخگویی به گرایش ذاتی متربی به ایمان و عمل صالح (معروفات)	شمس/۷، عصر/۳، روم/۳۰، خطبه/۱۹۳، نامه/۳۱، دعای/۲۰، دعای/۱،
تحقق مدینه فاضله اسلامی مندرج در متون اسلامی	حدید/۲۵، مائده/۲، نور/۵۵، آل عمران/۱۰۳، خطبه/۲۱۶، نامه/۵۳، خطبه/۲۲۴، دعای/۲۰، دعای/۳۸، دعای/۸،
پاسخگویی به گرایش ذاتی خداشناسی، خودشناسی و خودسازی ذاتی متربیان	روم/۳۰، ذاریات/۲۱ و ۲۰، شمس/۷ و ۹، خطبه/۱، خطبه/۱۷۸، نامه/۳۱، دعای/۱، دعای/۲۰، دعای/۴۴

نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی

حجرات/۱۳، فرقان، ۶۷، احزاب/۲۱، نحل/۹۰ و ۹۷، خطبه/۱۹۳، خطبه/۱۰۵، نامه/۵۳، دعای/۲۰، دعای/۲۷، دعای/۳۰	دستیابی به سبک زندگی مطلوب مطابق با معیارهای نظام اسلامی
آل عمران/۱۱۰، انبیا/۱۰۷، نحل/۹۷، خطبه/۱، خطبه/۱۹۳، نامه/۵۳، دعای/۲۰، دعای/۱، دعای/۴۴	ضرورت تحقق آرمان و ارزش‌های بنیادین تعلیم و تربیت (اخلاقی و انسانی، الهی و معنوی، فردی و اجتماعی)
فصلت/۴۹، روم/۳۰، مائده/۱۰۵، نحل/۴۳، بقره/۲۶۷، خطبه/۵۷، خطبه/۲، نامه/۳۱، حکمت/۱۲۳، دعای/۲۰، دعای/۳۹	ضرورت ترویج و انتقال نظامی از ارزش‌ها، نگرش‌ها، دانش‌ها، روش‌ها و رفتارها
نحل/۹۷، روم/۳۰، جمعه/۲، خطبه/۱، خطبه/۱۵۶، نامه/۷۲، نامه/۵۳، عای/۱	شکوفایی و به فعلیت رساندن فطرت کمال‌گرای متری در راستای تحقق حیات طیبه
مائده/۱۰۵، نسا/۵۹، خطبه/۱۶۶، خطبه/۱۱۰، خطبه/۳۴، نامه/۵۳، دعای/۵	ولایت محوری و هدایت و اطاعت‌پذیری جهت تحقق آرمان‌های جامعه مهدوی

جدول شماره ۳. اهداف برنامه درسی مبتنی بر حیات طیبه

مؤلفه‌ها	نمونه شواهد
توسعه و تحکیم نیروی اختیار	انسان/۳، انفال/۵۳، کهف/۲۹، نسا/۷۹، خطبه/۱، خطبه/۹۰، خطبه/۱۶۵، خطبه/۱۸۰، حکمت/۱۶، حکمت/۷۸، حکمت/۸۹، حکمت/۲۸۷، دعای/۱، مبانی نظری سند تحول بنیادین/۱۳۹۱
رشد و توسعه معنوی (پرورش نفس در انواع سه‌گانه)	بقره/۱۲۹، بقره/۱۵۱، اعلیٰ/۱۴، خطبه/۱۶، خطبه/۵۰، خطبه/۷۶، خطبه/۷۸، خطبه/۸۳، خطبه/۸۵، خطبه/۸۶، خطبه/۹۵، خطبه/۱۵۷، خطبه/۱۶۱، خطبه/۲۲۲، خطبه/۲۲۳، نامه/۳۱، نامه/۴۵، نامه/۵۶، حکمت/۳۱، حکمت/۲۴۵، حکمت/۳۵۹، حکمت/۴۴۹، دعای/۱، دعای/۲۹، مبانی نظری سند تحول بنیادین/۱۳۹۱
رشد و توسعه عقلانی	زمر/۱۸، بقره/۱۶۴، غافر/۶۷، انعام/۷۳

جائزه/۲۲، حج/۴۶، خطبه/۳۱، خطبه/۹۷، خطبه/۱۳۶، خطبه/۲۳۹، نامه/۳۱، نامه/۷۱، نامه/۶۳، حکمت/۵۴، حکمت/۱۱۳، دعای/۲۸، دعای/۵۱، مبانی نظری سند تحول بنیادین/۱۳۹۱،		
مجادله/۲۲، تغابن/۱۱، بقره/۵۲، خطبه/۱۱۰، خطبه/۱۲۷، خطبه/۱۳۳، نامه/۱۰، نامه/۳۱، نامه/۵۳، نامه/۵۶، نامه/۶۹، نامه/۷۶، حکمت/۱۰۸، حکمت/۱۱۳، حکمت/۴۲۴، مبانی نظری سند تحول بنیادین/۱۳۹۱،	رشد و توسعه عاطفی	
بقره/۱۷۷، اعراف/۱۹۹، نازعات/۴۰ و ۴۱، خطبه/۹۴، خطبه/۱۰۹، خطبه/۱۱۰، خطبه/۱۱۶، خطبه/۱۵۶، خطبه/۱۶۰، نامه/۳۱، نامه/۵۳، حکمت/۲۱۱، حکمت/۳۹۹، دعای/۵۳، مبانی نظری سند تحول بنیادین/۱۳۹۱	رشد و توسعه اخلاقی	
رعد/۱۱، اسرا/۱۴، نحل/۲۵، خطبه/۳، خطبه/۵، خطبه/۱۵، خطبه/۲۷، خطبه/۷۲، خطبه/۹۴، خطبه/۱۱۹، خطبه/۱۲۷، خطبه/۱۵۱، خطبه/۱۶۷، نامه/۴۷، نامه/۵۳، نامه/۷۸، حکمت/۳۱، حکمت/۲۲۰، حکمت/۲۲۴، حکمت/۴۳۷، مبانی نظری سند تحول بنیادین/۱۳۹۱	رشد و توسعه هویت فردی و اجتماعی	

جدول شماره ۴. مولفه های محتوا برنامه درسی مبتنی بر حیات طیبه

آیات و روایات متناظر	مولفه ها	مولفه محتوا
روم/۳۰، اعراف/۱۷۲، طین/۴ و ۶، شمس/۷ و ۸، بقره/۳۰، هود/۸۸، خطبه/۱، خطبه/۸۸، نامه/۳۱، حکمت/۱۴، دعای/۱، دعای/۳، دعای/۱۹	زمینه ساز تکوین و تعالی فطرت کمال گرای متربی	
توحید/۱ و ۴، آل عمران/۱۰۶ و ۱۸۲، احزاب/۴۰، مائده/۵۵ و ۳، خطبه/۱، خطبه/۲،	تاکید بر مبانی توحیدی و موضوعات اعتقادی شامل توحید، معاد، عدل، نبوت و امامت،	

نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی

خطبه/ ۱۹۳، خطبه/ ۱۳۹ خطبه/ ۱۶۱، نامه/ ۵۳، دعای/ ۱ و ۵ و ۴ و ۴۴.	ولایت فقیه
بقره/ ۲۱ و ۲۲، انعام/ ۱۶۴، حجرات/ ۱۳، خطبه/ ۱، خطبه/ ۱۴۷، خطبه/ ۸۷، خطبه/ ۴۵، دعای/ ۱ و ۵ و ۴۴	تاکید بر ارزش‌ها و باورهای اسلامی و اخلاقی در ارتباطات چهارگانه خود، خدا، خلقت و خلق
بقره/ ۱۵۱ و ۱۸۳، حجرات/ ۱۱، خطبه/ ۱، خطبه/ ۱۴۷، خطبه/ ۱۱۴، دعای/ ۱ و ۵	تاکید بر آموزش آموزه‌ها، آداب و احکام اسلامی مورد نیاز متریبان در دوره‌های تحصیلی
یوسف/ ۱۱۱، آل عمران/ ۱۹۰، انفال/ ۲۲، یوسف/ ۳۶ و ۳۷، خطبه/ ۱۴۷، خطبه/ ۹۲، دعای/ ۴۷	تاکید بر حس آگاهی طلبی، اندیشه ورزی، خردورزی، پرسشگری، حقیقت‌یابی، تعقل (اخلاقی، انتقادی) و نقادی، استدلال و درگیری با امور به نحو عملی
آل عمران/ ۷، نحل/ ۸۹، فرقان/ ۶۳، انفال/ ۴۶، خطبه/ ۱۷۸، خطبه/ ۲۱۴، دعای/ ۱۷	تاکید بر بصیرت و آگاهی معنوی و واکنش‌های فردی و اجتماعی در متریبان در تمامی شئون زندگی
انعام/ ۵۰، زمر/ ۹، عصر/ ۱ و ۳، فجر/ ۱۷ و ۱۸، خطبه/ ۱۱۰	تاکید بر سه عرصه علم، عمل و اخلاق به صورت یکپارچه و به هم پیوسته جهت کسب معرفت و شکل‌گیری صلاحیت‌ها در متریبان
علق/ ۱ و ۵، بقره/ ۲۶۹، آل عمران/ ۱۱۰، خطبه/ ۹۳، نامه/ ۳۱، دعای/ ۲۳.	تاکید بر رشد دانش، نگرش و مهارت‌های متناسب با ارزش‌های اسلامی و اخلاقی جهت پرورش شایستگی‌های مورد انتظار از متریبان در دوره‌های تحصیلی
بقره/ ۲، فلم/ ۴، آل عمران/ ۱۱۰، حکمت/ ۵۴، حکمت/ ۲۵۲، نامه/ ۳۱، دعای/ ۲۰ و ۲۱	تاکید بر ترویج و گسترش فعالیت‌های پرورشی، قرآنی و مکارم اخلاقی
فرقان/ ۷۲، رعد، ۲۸، خطبه/ ۱۵۳، خطبه/ ۱۸۳، دعای/ ۱۵، دعای/ ۳۳، حکمت/ ۹۴، حکمت/ ۲۶۴	تاکید و جهت‌دهی به حرکت آگاهانه و اختیاری متریبان در مسیر دستیابی به حیات طیبه
بقره/ ۲۶۹، آل عمران/ ۱۹۰، احزاب/ ۶، خطبه/ ۱، نامه/ ۳۱، حکمت/ ۱۱۳، دعای/ ۵، دعای/ ۱۵	در بردارنده ویژگی استفاده از همه ظرفیت‌های عقلانی و عاطفی متریبان

<p>علق/ ۱ و ۵، زمر/ ۹، خطبه/ ۱۱۰، حکمت/ ۴۲۴، دعای ۲۳ و ۲۲</p>	<p>تاکید بر یادگیری شعب مختلف علوم و معارف به عنوان ضرورت و ابزار لازم حیات معقول و مطلوب</p>
---	---

نتیجه گیری و پیشنهادها

با توجه به چارچوب مفهومی ارائه شده در پژوهش، ارتباط بین عناصر مختلف مانند منطق، اهداف و محتوا به صورت منطقی و پیوسته در راستای تحقق حیات طیبه قابل تحلیل است. این ارتباط به طور مستقیم بر اساس مبانی دینی و تربیتی طراحی شده است که هدف آن پرورش شخصیت انسانی و رشد فرد در چهارچوب اهداف نظام اسلامی می باشد. منطق برنامه درسی مبتنی بر حیات طیبه، به ویژه از منظر تربیتی اسلامی، با تمرکز بر فطرت انسانی و نیازهای فطری انسان به کمال طلبی و خیرخواهی، در پی دستیابی به اهداف والای تربیتی است. این منطق در حقیقت به انسان به عنوان موجودی الهی و منفوخ به روح قدسی نگاه می کند و در راستای شکوفایی این ویژگی های الهی، برنامه های تربیتی را طراحی می کند. از این منظر، در الگوی تربیتی اسلامی، باید توجه ویژه ای به رویکردهای "از اویی و به سوی اویی" ("إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ") داشت تا متربی در مسیر تعالی و ارتباط نزدیک تر با خداوند حرکت کند (مرزوقی، ۱۳۹۶: ۱۹۳). به عبارت دیگر، در این رویکرد، برنامه درسی باید شرایطی را فراهم آورد که متربی در نتیجه تربیت دینی و اسلامی، به یک سبک زندگی معنوی و مطلوب، مطابق با معیارهای نظام اسلامی، دست یابد. بر اساس آموزه های تربیتی اسلامی، هدف برنامه درسی مبتنی بر حیات طیبه، تحقق "مدینه فاضله اسلامی" و تربیت انسان هایی با ویژگی های اخلاقی، عقلانی، ایمانی و کمال گرایانه است. این برنامه باید ارزش های الهی و انسانی را در زمینه ای از تربیت ربانی و الهی شکوفا کند. به عبارت دیگر، از آنجا که فطرت انسانی با ویژگی های روحانی و الهی پیوند خورده است، برنامه درسی باید بتواند زمینه های ظهور و بروز "روح موید" را فراهم کند و متربی را در مسیری هدایت کند که به "حیات طیبه" و کمال الهی دست یابد (مرزوقی، ۱۳۹۶: ۱۹۴). از این رو، محورهای اصلی تربیت در این رویکرد شامل خداشناسی، خودشناسی، ولایت محوری، کمال محوری،

معرفت محوری و تربیت محوری است. این مفاهیم به عنوان شاخص‌های اصلی در جهت شکوفایی فطرت و هدایت متربی به سوی کمال اخلاقی و معنوی در نظر گرفته می‌شوند. نانکلی و همکاران (۱۴۰۰)، بیان می‌کنند تربیت اجتماعی در سند، مبتنی بر کسب شایستگی‌هایی بر اساس نظام معیار اسلامی است که متربیان را قادر می‌سازد برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه در اجتماع و جامعه صالح، ارتباطات مناسب و سازنده‌ای با دنیای پیرامون خود داشته باشند. این یافته‌ها با اهداف برنامه درسی مبتنی بر حیات طیبه و مدینه فاضله اسلامی هم‌راستا است.

در این راستا، منطق برنامه درسی مبتنی بر حیات طیبه، به طور خاص به "فطرت محوری" و "تزکیه محوری" توجه دارد و در پی آن است که با استفاده از سرمایه‌های فطری انسان، به‌ویژه خداشناسی و خداگرایی، زمینه‌سازی کند تا متربی در مسیر رشد روحانی و اخلاقی پیش رود. به علاوه، در این چارچوب، برنامه درسی باید ارزش‌های تربیتی الهی را به گونه‌ای سازمان‌دهی کند که متربی بتواند از نیروی اختیار خود در راستای تعالی و شکوفایی فطرت خود بهره‌برداری کند (مرزوقی، ۱۳۹۶: ۲۳۶). از این رو، در رویکرد تربیتی اسلامی، توجه ویژه‌ای به "اختیار محوری" و تربیت فردی متربی در چارچوب قضاء و قدر الهی وجود دارد، چراکه انسان به‌عنوان موجودی مختار و مسئول باید آگاهانه و مسئولانه در راستای تعالی خود گام بردارد. در این راستا شریعتی و انصافی (۱۳۹۳) تاکید دارند که دیدگاه‌های اسلام درباره جبر و اختیار بر تربیت تاثیر دارد و یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد یکی از دلالت‌های مهم این موضوع، اصل مسئولیت‌پذیری انسان است که بر سایر امور تربیتی تأثیرگذار می‌باشد. اضافه بر این در این رویکرد، به‌ویژه توجه به هویت اسلامی متربی، یکی دیگر از ارکان اساسی تربیت است. هویت اسلامی در این دیدگاه، همانا هویتی است که در درون آن انواع مختلف هویت‌های مومثانه، زاهدانه، عابدانه، حکیمانه و عارفانه قرار دارد (مرزوقی، ۱۳۹۶: ۲۸۴). به عبارت دیگر، در برنامه درسی مبتنی بر حیات طیبه، تربیت متربیان به گونه‌ای است که آن‌ها به شناخت دقیق از خود و خداوند برسند و از طریق این شناخت، به فضائل و ارزش‌های الهی آراسته گردند. در این فرایند، متربیان ضمن رهایی از آلودگی‌ها، به رشد معنوی و اخلاقی دست می‌یابند و این رشد معنوی به‌عنوان یکی از ارکان تربیت در این رویکرد مورد توجه قرار می‌گیرد.

مهم‌تر از همه، ارتباط تربی با خداوند و ارتباط وی با خود، از جمله اصول اساسی در دستیابی به "حیات طیبه" است. بر اساس آموزه‌های قرآنی، خداشناسی و خودشناسی به‌طور جدایی‌ناپذیری با یکدیگر پیوند دارند و دعوت به خودشناسی در حقیقت دعوت به خداشناسی است (آیه ۱۶۲ انعام). در این دیدگاه، تربی به‌طور آزادانه و آگاهانه به‌سمت شناخت و پرستش خداوند می‌رود و در این مسیر، هدف از پرورش او رسیدن به مراتب بالاتری از حیات طیبه است. به‌ویژه با توجه به مفاهیمی چون تقوا، اخلاص و عبودیت، تربیت باید تربی را به فضائل الهی آراسته کرده و او را از انواع آلودگی‌ها رهایی بخشد. در این راستا تجاری مقدم و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به تبیین بعد معنوی انسان و برنامه درسی معنوی و تعیین استلزامات برای انتخاب رویکرد معنوی در تعلیم و تربیت می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه رویکرد فطرت‌گرای توحیدی می‌تواند در تربیت دینی متریان مؤثر باشد. در نهایت، ولایت‌محوری و هدایت‌پذیری در برنامه درسی اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این برنامه باید به پرورش باور و بینش ولایی در متریان پرداخته و آن‌ها را به تبعیت از دستورات ولی فقیه و اهل بیت علیهم‌السلام هدایت کند. در این چارچوب، ولایت‌محوری می‌تواند نقش اساسی در تعالی متریان ایفا کند و در تحقق نظام تربیتی مطابق با آموزه‌های مهدویت، گام‌های مؤثری بردارد (مرزوقی، ۱۳۹۶: ۲۳۶). این رویکرد به‌ویژه در راستای تحقق اهداف کلی و آرمان‌های تربیتی، به متریان کمک می‌کند تا ضمن کسب علم و تفکر، فضایل اخلاقی را در خود تقویت کنند و در نتیجه، به مراتب بالاتری از حیات طیبه دست یابند. به‌طور کلی، منطق برنامه درسی مبتنی بر حیات طیبه با توجه به پنج عنصر ایمان، اخلاق، تفکر، علم و عمل، در چهار عرصه ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با خلقت و ارتباط با دیگران، می‌تواند به‌عنوان گامی مؤثر در تحقق آرمان‌های تربیتی و تعالی روح انسانی در نظر گرفته شود. برنامه‌های درسی مبتنی بر این منطق، با در نظر گرفتن تمامی ظرفیت‌ها و ویژگی‌های درونی و محیطی تربی، نه تنها زمینه‌های شکوفایی فطرت الهی او را فراهم می‌آورد، بلکه تربی را در مسیر رشد اخلاقی، معنوی و معرفتی خود هدایت می‌کند و او را به‌سمت تکامل و کمال انسانی رهنمون می‌سازد.

علاوه بر این اهداف برنامه درسی از یک سو به شکوفایی فطرت کمال‌گرای متریان و از سوی دیگر به تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی و اجتماعی متریان مرتبط است. این اهداف شامل رشد و

توسعه نیروی اختیار، توسعه معنوی، عقلانی، عاطفی و اخلاقی فرد است که در نتیجه آن، متریان قادر خواهند بود به فهم عمیق تری از خود، خدا و دیگران برسند. در عین حال، این اهداف در راستای رشد و پرورش شایستگی‌های رفتاری همچون عمل صالح، صداقت، تواضع، بردباری و ... قرار دارد که در نهایت به تحقق حیات طیبه منتهی می‌شود. هدف‌های دیگر شامل آموزش آگاهی‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی به متریان است تا آن‌ها بتوانند در ساحت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی خود تصمیمات صحیحی اتخاذ کنند. لذا بر اساس مفهوم حیات طیبه، که در آن تاکید بر "اختیار" و "اراده" متربی برای شکل‌دهی به هویت و شخصیت خود در راستای کمال است، اهداف تربیتی باید به گونه‌ای تدوین شوند که این ویژگی‌های انسانی را در سطح فردی و اجتماعی پرورش دهند. در منطق این نگرش، ابتدا لازم است که نیروی اراده و اختیار متربی تقویت گردد، زیرا فرد باید از آگاهی و مسئولیت در قبال اعمال خود برخوردار باشد تا به کمال معنوی و اخلاقی دست یابد. همانطور که در منابع مختلف اسلامی و تربیتی اشاره شده است، انسان در مسیر رسیدن به "حیات طیبه" باید آزادی و اختیار خود را به‌طور آگاهانه و مسئولانه به کار گیرد (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱؛ سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

در این راستا، برنامه‌های درسی باید به‌طور ویژه بر توسعه و تحکیم نیروی اختیار تمرکز کنند و متربی را به درک درست از مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی برسانند. مسئولیت‌پذیری یکی از اصول بنیادین تعلیم و تربیت است که به‌طور مستقیم به اختیار متربی وابسته است (گوتک، ۱۳۸۴). از طرفی، پرورش نیروی عقلانی متربی به‌عنوان ابزاری برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و انتخاب‌های مسئولانه نیز در نظر گرفته می‌شود. عقل در این فرآیند به‌عنوان یک ابزار هدایت‌گر در راستای خداشناسی، خودشناسی و رسیدن به تعالی فردی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (ملکی، ۱۳۷۹). با توجه به اینکه "حیات طیبه" به‌عنوان هدف نهایی تعلیم و تربیت اسلامی، پرورش شخصیت معنوی و اخلاقی متریان را در نظر دارد، ضروری است که برنامه‌های درسی به‌طور همزمان بر توسعه ابعاد مختلف وجودی انسان، شامل ابعاد عقلانی، عاطفی و اخلاقی، تمرکز کنند. از این رو، اهداف در این چارچوب باید بر پرورش حکمت، آگاهی معنوی، تهذیب نفس و تقویت فضائل اخلاقی متمرکز باشند. بر اساس این رویکرد، پرورش عقلانی و تربیت معنوی باید به‌طور هم‌زمان صورت گیرد تا متربی از طریق انتخاب‌های آگاهانه، رشد یافته و در مسیر کمال و

قرب الهی قرار گیرد (مرزوقی، ۱۳۹۶). این مفاهیم، به‌ویژه در چارچوب برنامه درسی، باید به‌طور جدی در نظر گرفته شوند تا متربی بتواند در عرصه‌های مختلف زندگی، از جمله اجتماعی، اخلاقی و معنوی، انتخاب‌هایی آگاهانه و مسئولانه انجام دهد و در نتیجه به رشد و توسعه‌ی تمام‌جانبه دست یابد. شیروانی شیرینی (۱۴۰۳) نیز در پژوهش خود عنوان می‌کند هدف کلی تربیت در دیدگاه فطرت‌گرای توحیدی، بیدار و فعال‌نمودن مستمر فطرت خداجوی بشر و دستیابی به قرب الهی است که این تقرب با معرفت و عمل عبادت حاصل می‌شود. اهداف جزئی نیز با در نظر داشتن تفاوت‌های فردی متربیان و تنوع استعدادها و ظرفیت‌های مختلف وجودی متربیان، و حوزه‌های مختلف تربیت و یادگیری و همچنین موضوعات درسی مختلف تعیین می‌گردد.

محتوای برنامه درسی نیز، به‌عنوان ابزار اصلی برای دستیابی به اهداف مورد نظر، بر اساس ویژگی‌های مشخصی طراحی شده است که با منطق حیات طیبه هم‌راستا است. این محتوا بر آموزه‌های دینی و اخلاقی و به‌ویژه بر مبانی توحیدی، معاد، عدل و ولایت فقیه تأکید دارد. علاوه بر این محتوای برنامه درسی مبتنی بر رهیافت حیات طیبه باید به‌طور کامل و منسجم، با توجه به ویژگی‌های رشدی، ذهنی و علاقه‌های متربیان در دوره‌های مختلف سنی، طراحی شود. این محتوا باید در عین حفظ تنوع‌های معرفتی، به‌گونه‌ای منسجم و هماهنگ باشد که همه ابعاد رشد انسانی، شامل عقلانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و دینی، را در بر گیرد. هدف اساسی این رویکرد تربیتی، تعالی و رشد جامع انسان در تمام ساحت‌های زندگی است. بنابراین، محتوای درسی باید با بهره‌گیری از اصول دینی و آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه مفاهیمی چون توحید، معاد، عدل و ولایت فقیه، متربیان را در تمام ابعاد فردی، اجتماعی، علمی و فرهنگی رشد دهد. از این منظر، محتوای درسی باید نه تنها به آموزش علم و فناوری توجه کند، بلکه به پرورش اخلاق و آگاهی‌های دینی نیز پردازد تا متربیان توانایی برخورد با مسائل دنیوی و اخروی را به‌طور هم‌زمان داشته باشند (مرزوقی، ۱۴۰۱).

در راستای رشد عقلانی، محتوای درسی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که بر تفکر، آگاهی و تعقل تأکید کند. قرآن نیز بر عقل‌ورزی و عمل مبتنی بر آگاهی تأکید دارد، که از ویژگی‌های جهان‌شمول تفکر اسلامی است. در این چارچوب، باید گرایش‌هایی چون فضیلت‌جویی،

حق‌گرایی و عدالت در متریبان پرورش یابد تا آنها بتوانند به صورت فعال و آگاهانه در مسیر تعالی فردی و اجتماعی گام بردارند. به همین ترتیب، محتوای درسی باید در جهت پرورش عقلانیت، حکمت، تفکر نقادانه، خلاقیت و حل مسائل علمی و عملی باشد. ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۹) در رابطه با تربیت عقلانی عنوان می‌دارند که یکی از مهمترین پیامدهایی که میتوان از برنامه تربیت عقلانی متصور بود موضوع تربیت دانش آموزان بر اساس الگوی اسلامی است اسلام مجموعه‌ای از دستورات عملها و الگوها را در مورد انسان کامل ارائه میدهد و ویژگیهایی را برای این افراد در نظر میگیرد میتوان گفت هدف دنیوی که خداوند در قرآن برای افراد ذکر میکند انسان بودن و تعامل مناسب با اطرافیان است که میتوان آن را به عنوان فردی مطلوب مطابق با نظر شرع در نظر گرفت. در این فرآیند، علاوه بر رشد دانش و آگاهی‌های فلسفی و تجربی، معرفت عرفانی نیز اهمیت دارد که می‌تواند در رشد عاطفی و اخلاقی متریبان تأثیرگذار باشد. در این زمینه، تجلی عشق الهی، شناخت و پرورش عواطف، و کنترل احساسات از اهمیت بالایی برخوردار است. معرفت عرفانی که از درون سرچشمه می‌گیرد، می‌تواند به متریبان کمک کند تا در مسیر رشد معنوی و اخلاقی خود، زندگی‌ای پر از آرامش و رضایت داشته باشند. از سوی دیگر، در بخش اجتماعی و مدنی، برنامه درسی باید توانمندی‌های لازم برای زندگی اجتماعی موفق را در متریبان پرورش دهد. به‌ویژه در عصر جهانی‌شدن، تربیت اجتماعی باید به گونه‌ای باشد که متریبان بتوانند به طور مؤثر در جوامع محلی، ملی و جهانی مشارکت کنند. این بخش از تربیت به پرورش مهارت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و شهروندی پرداخته و بر ارزش‌هایی چون وحدت، همدلی، احترام به حقوق دیگران و سازگاری اجتماعی تأکید دارد. به‌ویژه در حوزه تربیت سیاسی، لازم است که متریبان درک درستی از اصول دموکراسی، مشارکت فعال و مسئولیت‌پذیری اجتماعی پیدا کنند تا در زندگی سیاسی و اجتماعی خود موفق باشند. در کنار این، پرورش ویژگی‌هایی چون شجاعت، عزت‌نفس و بصیرت نیز از اهداف مهم برنامه درسی حیات طیبه است. برزیده و همکاران (۱۳۹۵) نیز در این خصوص عنوان می‌دارند شناخت و نیل به شایستگی‌های اجتماعی در ابعاد تحقق هدف‌های کلی توسعه بین‌الذهان، حوزه عمومی و تثبیت هویت اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان بر اساس آموزه‌های اسلامی و بومی همراه با زمینه‌سازی ایجاد تحول

اجتماعی و فرهنگی از مهم‌ترین نیازهای تربیت اجتماعی امروز هستند که از طریق الگوهای برنامه درسی مبتنی بر جامعه به نحو مؤثرتری قابل دستیابی می‌باشند.

در ابعاد اخلاقی، محتوای درسی باید به گونه‌ای طراحی شود که ضمن آگاه‌سازی دانش‌آموزان نسبت به اصول اخلاقی، آنها را در عمل به این اصول متعهد کند. تربیت اخلاقی باید به درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی چون صداقت، تواضع، شکیبایی، قناعت، سخاوت و جوانمردی در شخصیت متربیان کمک کند. در این فرآیند، آموزش‌های اخلاقی باید در رفتار و کردار روزمره متربیان تجلی یابد. در واقع، پرورش اخلاقی در برنامه درسی باید به گونه‌ای باشد که متربیان از خصایصی چون کینه‌توزی، حسادت و دروغ‌گویی دوری کرده و به صفات مثبت انسانی دست یابند. معلمان نیز باید خود الگوی عملی این ویژگی‌ها باشند و در خلق محیطی اخلاقی در مدرسه نقش مهمی ایفا کنند. در نهایت، جهت‌گیری معنوی در برنامه درسی حیات طیبه نیز باید بر تقویت ایمان و ارتباط متربیان با خداوند تأکید داشته باشد. در این راستا، محتوای درسی باید متربیان را به سمت پرورش فطرت خداجویی، عبادت و بندگی، و تکامل روحی هدایت کند. آگاهی از اصول دینی و شریعت‌مداری باید به‌طور عمیق در درون متربیان ریشه بدواند تا به گونه‌ای زندگی کنند که تمامی افکار و رفتارشان تابع اعتقادات دینی‌شان باشد. در این زمینه، پرورش ویژگی‌هایی چون اخلاص، توکل، اطاعت از خدا و امر به معروف و نهی از منکر نیز از اهداف اصلی است. به‌طور کلی، برنامه درسی مبتنی بر حیات طیبه باید به گونه‌ای طراحی شود که تمام ابعاد رشدی انسان را به‌طور همزمان مورد توجه قرار دهد. این محتوا باید با استفاده از منابع معرفتی مختلف شامل فلسفی، تجربی و عرفانی، متربیان را در مسیر تعالی معنوی، اخلاقی، اجتماعی و علمی هدایت کند تا در نهایت به انسان‌هایی کامل، متعهد و مسئول تبدیل شوند. شیروانی شیرینی (۱۴۰۳) نیز یافته‌های این پژوهش را تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که محتوای آموزشی نباید محدود به جزئیات علمی و دانسته‌ها و مهارت‌های خاص شود، بلکه افزون بر پرداختن به جزئیات ضروری و آگاهی‌های لازم زندگی، زمینه‌ساز داشتن فهمی عمیق و کلی از خلقت انسان و جهان و مبداء و مقصد وی گردد.

با توجه به چارچوب مفهومی و مبانی نظری ارائه شده در پژوهش، پیشنهادات زیر برای پژوهش‌های آتی قابل توجه خواهند بود. یکی از این پیشنهادات، تدوین اهداف جزئی و رفتاری در برنامه درسی حیات طیبه است که باید در سطوح مختلف تحصیلی طراحی شود و شامل شایستگی‌های فردی و اجتماعی متریان باشد. این اهداف باید متناسب با رشد و نیازهای فطری متربی در ابعاد معنوی، اخلاقی، عقلانی و اجتماعی تعیین گردند، و به‌ویژه در زمینه‌های تربیت دینی، اجتماعی، اخلاقی و عقلانی باید الگوهای هدف‌گذاری دقیق و ملموس ارائه شود. همچنین، طراحی محتوای برنامه درسی مبتنی بر حیات طیبه از دیگر گام‌های مهم پژوهش‌های آتی است. این محتوا باید با تأکید بر اصول اسلامی و آموزه‌های توحیدی، معاد، عدل و ولایت فقیه، به گونه‌ای طراحی شود که علاوه بر توجه به ابعاد علمی، دانش‌آموزان را در مسیر رشد معنوی و اخلاقی هدایت کند. پژوهش‌ها می‌توانند به این موضوع بپردازند که چگونه محتوای برنامه درسی می‌تواند به‌طور هم‌زمان ابعاد عقلانی، عاطفی و اخلاقی متریان را پرورش دهد و زمینه‌ساز تعالی آن‌ها در تمامی عرصه‌های زندگی باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- The Holy Quran, translated by Mehdi Elahi Qomshehi, Qom, Fatima Al-Zahra Publications, 2000, second edition. (In Persian)
- Barzideh, Homeira, Mahmoudnia, Alireza, Ghaedi, Yahya and Zarghami, Saeed. (2016). The proposed model of Islamic social education curriculum in secondary school: a normative approach. *Journal of Fundamentals of Education*, 6 (2): 107-127. (In Persian)
- Chahkhoei Anari (2016). *Fundamental Change in Education with an Approach to the Quran and Hadith*. Master's Thesis. University of Holy Quran Sciences and Education. Faculty of Quranic Sciences, Meybod. (In Persian)
- Fathi and Ajargah, Kouros. (1401). *Basic Principles and Concepts of Curriculum Planning*. Third Edition, Elm Ostadan Publications. (In Persian)
- Fathi Vajargah, Kouros., and Norouzzadeh, Reza. (2012). *An Introduction to Academic Curriculum Planning*. Institute for Higher Education Research and Planning. (In Persian)
- Gilham, Bill (2019). *Case Study Research Methodology*. Siahroud Publications, Tehran. (In Persian)
- Kent, H. T. (2017). *Curriculum Planning: Integrating Multiculturalism, Constructivism, and Educational Reform* (M. Shabani et al., translators). Tehran: Avae Noor Publications. (In Persian)
- Levy, A. (2012) *School Curriculum*, Translator: Farideh Mashayek, Tehran: Manadi Tarbiat. (In Persian)
- Mahdavi Hazareh, Mansoureh; Maleki, Hassan; Mehrmohammadi, Mahmoud; Abbaspour, Abbas (2016). *Hayat Tayyebeh, A Perspective for Raising Children: Providing a Conceptual Framework for Explaining the Characteristics of Elementary School Teachers*, Research in Islamic Education Issues, Year 24, New Volume, Issue 30: 139-167. DOR: [20.1001.1.22516972.1395.24.30.6.1](https://doi.org/10.1001.1.22516972.1395.24.30.6.1). (In Persian)
- Maroji, Mehdi (2012). *Hayat Tayyiba, the ultimate educational goal of the national curriculum*. Scientific and specialized journal of Quranic education development. 10(38). 37-39. (In Persian)
- Marzooghi, Rahmatullah (1400), *Paradigms of Science and Opinion in the Curriculum. An Analysis of Philosophy and Theorizing in the Field of Curriculum Studies*, Avaye Noor Publications. (In Persian)
- Marzooghi, Rahmatullah (2017). *Structural Theories in the Paradigm of Islamic Education*. Tehran: Avae Noor. (In Persian)
- Marzooghi, Rahmatullah; Keshavarzi, Fahimeh and Nowrouzi, Nasrallah (2016). *The basis and meaning of the hidden curriculum (a new look at the types of curriculum)*. Tehran: Avanoor. (In Persian)
- Mehrmohammadi, Mahmoud. (2019). *Curriculum: Perspectives, Approaches and Perspectives*. Behnashar Publications. (In Persian)
- Moghaddam, Hajar, Amin Khandaghi, Maghsoud, Qandili, Seyyed Javad (2019). *Explaining the elements and components of the monotheistic nature-oriented curriculum in the religious education of educators*. *New Advances in Psychology, Educational Sciences and Education*, 3 (30): 138-154. (In Persian)
- Nahj al-Balaghah, translated by Mohammad Dashti. Qom: Al-Ali (AS), 2012, third edition. (In Persian)
- Nankoli, Yaser, Mirzam-Mohammadi, Mohammad-Hassan, Imani, Mohsen. (2021). *Social Education in the Document of Fundamental Transformation of Education and Its Analysis*

- Based on Al-Farabi's Theory of Social Education. Research on Islamic Education Issues, 29 (52): 215-255. DOR: [20.1001.1.22516972.1400.29.52.8.2](https://doi.org/10.1001.1.22516972.1400.29.52.8.2). (In Persian)
- National Curriculum Document (2012). Secretariat of the Higher Education Council: Tehran. (In Persian)
- Sahifah Sajjadih, translated by Hossein Ansarian. Mashhad: Astan Quds Publications, 2016, first edition. (In Persian)
- Samavi, Roqiyeh (2014). Philosophy and the Path of a Good Life and Its Educational Characteristics (Goal, Content, Method). Master's Thesis. Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Psychology and Social Sciences. (In Persian)
- Shariati, Sadruddin, Ensafi Mehrabani, Sepideh. (2015). A look at the necessity and freedom in the Islamic school and its educational implications. Journal of Quranic Education, 5 (17): 29-7. (In Persian)
- Shirvani Shiri, Ali. (1403). Explaining the monotheistic naturalism approach and determining its implications in the elementary school curriculum based on the national curriculum. Quarterly Journal of Islamic Education, 19 (50): 35-17. (In Persian)
- Theoretical foundations of fundamental change in the formal public education system of the Islamic Republic of Iran (2012). Secretariat of the Supreme Council of Education: Tehran. (In Persian)
- Torkashvand, Nasrin, Ghafari, Khalil, Faghihi, Alireza, Nateghi, Faezeh. (2019). Designing the Ideal Model of Rational Education in the Religion and Life Curriculum. Bi-Quarterly Journal of Islam and Educational Research, 12(2), 57-74. (In Persian)
- Akker, J., Kuiper, W., Hameyer, U., & van den Akker, J. (2003). Curriculum perspectives: An introduction. *Curriculum landscapes and trends*, 1-10.
- Akker, J., Fasoglio, D., & Mulder, H. (2010). *A curriculum perspective on plurilingual education*. Council of Europe, Directorate of Education and Languages.
- Beauchamp, G. A. (1981). *Curriculum theory*. Wilmette, IL: Kagg Press.
- Carroll, A & Norman, R (Eds) (2017) beyond the divide: Religion and atheism in dialogue. Routledge, London.
- Eisner, E, W. (2002). The educational Imagination. Columbus: Merrill Prentice Hall.
- Hobbs, A. (2018). Philosophy and the good life. Journal of Philosophy in Schools, 5(1), 20-37.
- Klein, M. F. (1991). A conceptual framework for curriculum decision making. NY: state university of New York press.
- Marzooghi, R. (2015). Curriculum Science: New and future development. Avae Noor publishing, Tehran, Iran.
- Schubert, W.H. (1986). Curriculum: perspective, paradigm and possibility. Macmillan publishing Company. New York.
- Taba, H. (1971). Curriculum development: theory and practice. New York: Harocourt, Brace and World, INC.
- Tyler, R. W. (1949). Basic principles of curriculum and instruction Chicago. University of Chicago Press.
- Zais, R. S. (1976). *Curriculum: Principles and foundations*. New York: Harper & Row.

